

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ جولای ۲۰۱۸

## آغاز کار "راکتیار"

سه شنبه- ۰۲ اسد ۱۳۹۷- کابل: یکی از تفاوت های اساسی در نامگذاری ها در زمینه های مختلف بین مردم عادی، سیاستمداران و دولت ها این است که مردم می کوشند با نام گذاری های شان جوهر و ماهیت یک فرد را بر مبنای عملکرد وی و یا هم به مانند یک کاریکاتور است برجسته، برجسته ترین خصوصیت فزیکوی وی را انتخاب و بروی نام بگذارند. در حالی که سیاستمداران و دولت از نامگذاری به تنها چیزی که نمی اندیشند، پذیرش همگانی آن نام گذاری و تطابق آن با واقعیت است در عوض از آرزو ها و آرمانهای نیک گرفته تا امیال و خواستههای پلید شان را می خواهند به وسیله نامگذاری، بر مرم حفته نمایند.

به همین اساس وقتی کابل در جریان کشتار های جهادیت ها، از طرف "گلبدین"، "مسعود"، "سیاف" و "مزاری" ویران گردید، مردم به هریک از آنها نامهایی متناسب با کردار و اطوار شان گذاشتند، از جمله بالای "گلبدین" به وزن تخلص "حکمتیار"، "راکتیار" و به "مسعود" که تعدادی از رسانه های جیره خوار می خواستند وی را به "شیر پنجشیر" معروف بسازند، بسیار آگاهانه "بزکابل" نام گذاشتند.

با این مقدمه می آئیم به توضیح عنوان مطلب.



از همان نخستین روز هائی که "گلبدین" با نخره و ناز عجزه های هزار داماد، به کابل رسید، بودند و هستند مردمی که بر مبنای خاطرات گذشته و شناخت از کرکتر این جرثومه فساد و جنایت، پیشبینی نمودند که دیر و یا زود با آمدن "راکتیار" به کابل، باران راکت نیز آغاز خواهد شد. این پیشبینی امروز به ساعت یک بعد از ظهر در شهر کابل تحقق یافت، چنانچه:

طبق گزارشات رسانه‌ئی و تأیید بزرگان خانواده ما، حوالی ساعت یک بعد از ظهر - ده دقیقه گذشته از یک- صدای انفجار مهیبی تمام منطقه افشار\* را به لرزه در آورد. صدای مهیب که ناشی از اصابت یک راکت به منطقه عقب قبر گرامی یاد "سید اسماعیل بلخی" بود ظرف دو ساعت ۴ بار دیگر نیز تکرار شده در مجموع با اصابت ۵ راکت در فاصله زمانی دو ساعت آنهایی را که خاطراتی از دهه هفتاد داشتند، به یاد آن روزها انداخته، تمام باشندگان محل که خود را در تیررس می‌دیدند، یا به زیر زمینی‌ها پناه جستند و یا هم به فکر ترک محل و حرکت به سمت داخل شهر افتادند. این که در چنان حالتی که اکثر مردان در خانه‌ها نیستند و به دنبال پیدا کردن یک لقمه نان سرگردان اند، زنها و کودکان چه روزگاری را سپری نمودند، چندبار مردند و زنده شدند، مسأله‌ای نیست که بی‌درمان ارگ نشین از آن بوئی ببرند. فشار و درد رنج چنین حالتی را فقط کسانی احساس نموده می‌توانند که در چنان حالتی گرفتار شده باشند که از یک طرف یک طفل شان در زیر خاک مانده باشد و از جانبی، دیگری خودش را در بغل مادر چسپانده فریاد بکشد نه سر نشینان ب-۵۲ و بوئینگ.

تا جایی که صحبت‌های شخصی‌ام با اهل محل گواهی می‌دهد، از جمع راکتها تنها یکی از آنها در دیوار مشترک دوخانه اصابت نموده که از باشندگان هر دو خانه هفت زن و کودک را به شدت زخمی نموده است. از آنجایی که تا حال کسی مسؤلیت این راکت افگنی را نگرفته و گویا محل پرتاب راکت هم تا هنوز تثبیت نشده و این که راکت‌ها در کدام زرادخانه‌ای ساخته شده نیز معلوم نیست، تبصره مردم محل آن است که "راکتیار" به کار آغاز نموده است.

**دیده شود چه می‌شود!!**

#### **یادداشت:**

\*- تا جایی که از دوران مکتب ابتدائیة "درخانی" به یاد دارم، چون در تمام دوران ابتدائی اکثر همصنفی‌ها اعم از پسر و دختر کودکانی بودند که از افشار به مکتب می‌آمدند، خلاف تصور ما که وقتی افشار می‌گوئیم یک منطقه در نظر ما مجسم می‌گردد، در آن زمان افشار، سه قسمت داشت: بالا قلعه، پائین قلعه یا بازار افشار و قلعه عسکر. قسمت بالا قلعه بعد ها یعنی بعد از دفن گرامی یاد "سید اسماعیل بلخی" در عقب "اکادمی پولیس"، به افشار "پشت قبر بلخی" از طرف مردم نام گرفت. که تا امروز به همان نام یاد شده؛ محل اصابت راکت‌ها می‌باشد.